

ارداویراف نامه

O مصطفی دهقان



سرنوشت و پایان کار انسان‌ها، از دوران بسیار کهن، اندیشه بشر را به خود مشغول داشته و در آثار اکثر ادیبان جهان به اشکال مختلفی بروز کرده است. ادبیات ایران نیز مستثنی نبوده و یکی از این مجموعه‌ها، یعنی سیروسفر ارداویراف مقدس را حدود هزار سال قبل از به وجود آمدن کمندی الهی دانته در کتاب ارداویرافنامه، متجلی کرده است. ارداویرافنامه که از نوشته‌های پهلوی دوران ساسانی است، داستان ارداویراف مرد پاک و پرهیزگاری است که پیشوایان و موبدان دین زردشتی او را برگزیدند که سیری در جهان دیگر کند و از روان و سرگذشت درگذشتگان اطلاع حاصل کند. او که به گفته موبدان در تمام عمرش گناهی نکرده به حکم قرعه برای این سفر انتخاب می‌شود و پس از شستن سر و تن و پوشیدن جامه نو و خوردن خورش، بر بستری پاک آرمیده و سه جام منگ گشتاسپی^۱ می‌نوشد و به خواب می‌رود و به مدت هفت شبانه روز به همراه دو فرشته^۲ از طبقات بهشت و دوزخ دیدن می‌کند. نیکوکاران و گناهکاران را می‌نگرد و از سرنوشت اعمال آنها آگاه می‌شود. بعد از این به پیشگاه اورمزد پذیرفته می‌شود و در روز هفتم به این جهان باز می‌گردد و از دبیری فرزانه می‌خواهد تا مشاهداتش را بنویسد. و این چنین است که ارداویرافنامه شکل می‌گیرد. این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۸۱۶ توسط پوپ (J, A, Pope) خاورشناس انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت. در این سال او ترجمه ارداویرافنامه را با عنوان ذیل در لندن منتشر کرد:

The Arda Viraf Nameh , or the Revelations
of Arda Viraf , translated from the persian and
Guzeratee Versions . London ۱۸۱۶.

هرچند تحقیق فوق در شناساندن ارداویرافنامه به اروپائیان نقش قابل ملاحظه‌ای داشته اما باید اذعان داشت که کتاب هوگ (M. Haug) و وست (E, W, West) نقش بیشتری در این زمینه ایفا کرده است. هوگ و وست دو تن از مستشرقان نسل گذشته‌اند که در زمینه ارداویرافنامه و متون پهلوی، تحقیقات وسیعی انجام داده‌اند. این دو به دستگیری تعدادی از دانشمندان پارسی اکثر نسخ بازمانده از متون پهلوی را از صورت خطی خارج کردند و به زیور چاپ با ترجمه و شرح آراسته کردند. در سال ۱۸۷۲ این دو به همراه هوشنگ جی جاماسب آسا (H, Jamaspji Asa) مجموعه‌ای را در دو جلد منتشر کردند که سال‌ها، منبعی موثق در زمینه تحقیقات مربوط به ارداویرافنامه قرار گرفت و تحقیقات بعد از خود را تحت تأثیر قرار داد جلد اول آن شامل متن پهلوی ارداویرافنامه و گشت فریانو^۳ (Gosht i Fryano) به عنوان متن ضمیمه اول و هادخت نسک به عنوان متن ضمیمه دوم به همراه ترجمه انگلیسی آنها می‌باشد. این جلد در سال ۱۸۷۲ با مشخصات زیر منتشر شد:

The book of Arda Viraf. The Pahlavi text
prepared by Destur Hoshangji Jamaspji Asa,
revised and collated with further mss, with
an english translation and introduction, and
an appendix containing the texts and
translations of the Gosht i Fryano
Hadokht Nask by Martin Haug, assisted by
E. W. West, Bombay, ۱۸۷۲

در این اثر چندین نسخه با هم مقابله شده است. سه نسخه از آنها متعلق به هوگ و دو نسخه متعلق به «کتابخانه دانشگاه کپنهاک» و یکی متعلق به «کتابخانه لندن» و سه نسخه نیز متعلق به زردشتیان بوده است.

جلد دوم این مجموعه نیز دو سال بعد در سال ۱۸۷۴ با مشخصات زیر منتشر شد:

Glossary and Index of the Pahlavi texts of the book of Arda Viraf, the tale of Gosht - i Fryano, the Hadokht Nask, and the some enstracts from the Dinkard and Nirangistan, prepared from Destur H. Jamaspij Asa's to the Arda Viraf Namak and from Glossary the original texts, with notes on Pahlavi by E. W. West, revised by Martin Grammar, Haug, Bombay London ۱۸۷۴.

این مجلد شامل واژه‌های پهلوی ارداویرافنامه، گشت فریانو، هادخت نسک و چند متن پهلوی دیگر می‌باشد. این واژه‌نامه، واژه‌های پهلوی را عیناً به خط پهلوی به همراه آوانویسی آنها به لاتین آورده است. همچنین به مباحث ریشه‌شناسی نیز می‌پردازد. و دیگر اینکه در این مجلد سوای نسخه‌های پیشین، از ترجمه‌های پازند، سانسکریت، گجراتی و فارسی نیز استفاده شده است. گفتاری که در ذیل می‌آید به بررسی جلد اول این مجموعه بنا بر چاپ مجدد آن به سال ۱۹۷۱ که در آمستردام هلند صورت گرفته خواهد پرداخت:

این کتاب با پیشگفتاری از هوگ شروع می‌شود. او در این پیشگفتار به چگونگی آماده شدن نسخه‌های ارداویرافنامه و همراهی هوشنگ جی جاماسب آسا در تهیه و آماده کردن این نسخه‌ها پرداخته است. بعد از این پیشگفتار، مقدمه‌ای مفصل توسط هوگ و وست تحریر شده که مشتمل بر چهار بخش اصلی است. بخش نخست به توضیح کاملی از نسخه‌های ارداویرافنامه و شروح و نوشته‌های پازند، گجراتی و سانسکریت و به ویژه آنها که در متن این کتاب بیشتر مورد نظر بوده‌اند پرداخته است. سپس خلاصه‌ای از داستان برگزیده شدن ارداویراف، توسط موبدان زردشتی جهت سیر در جهان دیگر و آگاهی از سرگذشت روان مردگان و دیدار او از طبقات بهشت و دوزخ آمده

است. در انتها نیز اشاره‌ای به ترجمه انگلیسی یوپ از ارداویرافنامه شده و چند شرح و ترجمه دیگر از ارداویرافنامه نیز که توسط دانشمندان پارسی صورت گرفته، بررسی شده است.

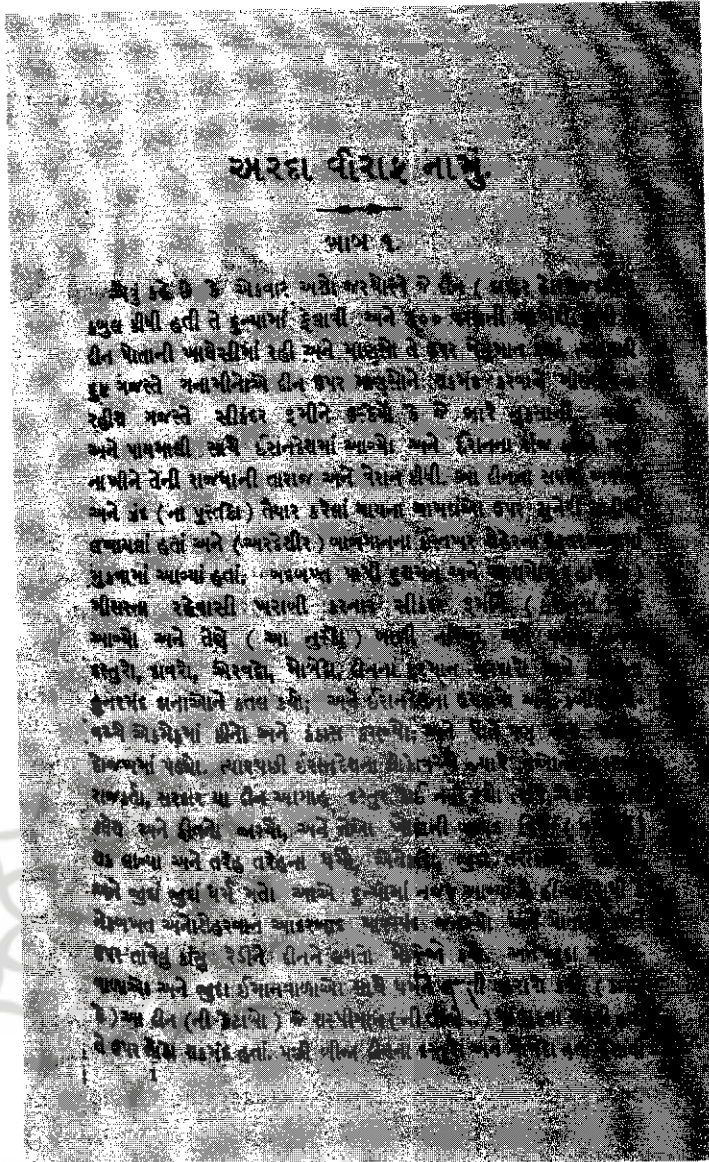
در بخش دوم مقدمه، ابتدا مشکلات نوشتاری زبان پهلوی چه در کتیبه‌های ساسانی و چه در متون به جای مانده بیان می‌شود. سپس به خصوصیات آوایی صامت‌ها^۱ و مصوت‌ها^۲ و القای پهلوی اشاره شده و بعد از آن به توضیح در مورد هزوارش‌ها^۳ و چگونگی وارد شدن آنها به زبان‌های ایرانی پرداخته شده است.^۴

بخش سوم مقدمه، به محتویات ارداویرافنامه اختصاص یافته است. این بخش ابتدا به مقایسه ارداویرافنامه با کتب مشابهی چون کمدی الهی داتته و آثار ادبیات مسیحی و دیگران می‌پردازد و سپس به محتوای صد و یک فرگرد (= بخش) کتاب اشاره می‌کند.

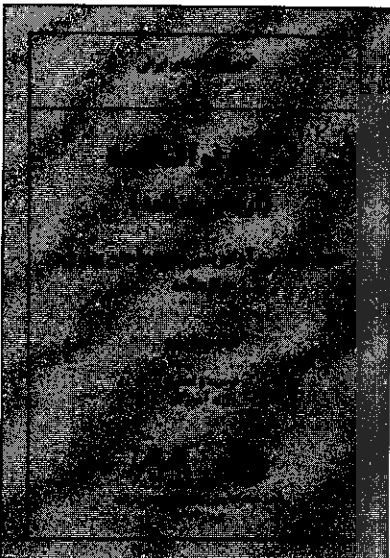
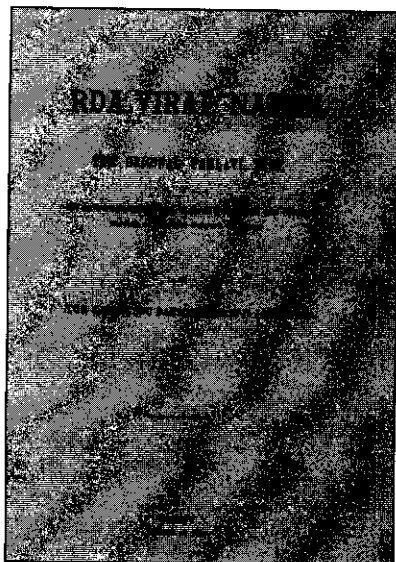
بخش چهارم، گفتار مختصری پیرامون داستان گشت فریانو است. این داستان در مورد دانایی است که به سی و سه معمای اخت / جادوگر اهریمنی / پاسخ می‌دهد و او را به نابودی می‌کشاند.

بعد از این مقدمه، طی دو پیوست کوتاه بخش آغازین متن پازند و سانسکریت و همچنین متن فارسی نسخی که جهت مقابله مورد استفاده بوده‌اند، آمده است. متن پازند و سانسکریت تنها شامل آوانویسی لاتین آنها می‌شود و متن فارسی به القای فارسی ضبط شده است. پس از این، متن اصلی ارداویرافنامه به همراه آوانویسی آن، بخش عمده کتاب را در بر می‌گیرد و بعد از آن ترجمه انگلیسی متن و یادداشت‌های هوگ آمده است.

داستان «گشت فریانو» به همراه آوانویسی و ترجمه آن بخش بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. از آنجا که متن این داستان در تعدادی از نسخه‌ها به متن ارداویرافنامه اضافه شده است، وست و هوگ نیز با توجه



صفحه اول از متن ترجمه گجراتی ارداویرافنامه، منقول در کتاب «جاماسب آسا»



به مراجعه به نسخ متعدد، این داستان را به عنوان ضمیمه اول به متن ارداویرافنامه اضافه کرده‌اند. در انتها نیز متن «هادخت نسک» به همراه آوانویسی و ترجمه انگلیسی آن به عنوان ضمیمه دوم به چاپ رسیده است. فرگرد نخست هادخت نسک در مورد ارزش و اهمیت دعای اشم وهو (AshamVahu) است. در فرگرد دوم از سرنوشت روان پرهیزکار و در فرگرد سوم از سرنوشت روان گناهکار پس از مرگ، سخن می‌رود. ^{۱۱} ظاهراً به دلیل نزدیکی موضوع هادخت نسک با ارداویرافنامه بوده است که آن را به متن اضافه کرده‌اند.

ارداویرافنامه هوگ و وسته نخستین کاری است که با در دسترس قرار دادن بخش عمده‌ای از نسخ به جای مانده از آن تهیه شده است و همین موضوع، اهمیت کتاب حاضر را به عنوان یکی از کهن‌ترین تحقیقاتی که در شکل‌گیری آثار بعد از خود نیز نقش داشته افزایش می‌دهد. البته باید در نظر داشت که با توجه به دور شدن از مقطع این تحقیق و نشر آثار و نظریات جدید، برخی از یادداشت‌های کتاب، امروزه چندان مورد قبول نیست.

از دیگر تحقیقات نسبتاً قدیمی انجام شده، می‌توان به اثر بارتلمی (M. A. Barthelemy) خاورشناس فرانسوی اشاره کرد که در سال ۱۸۸۷ با مشخصات زیر منتشر شد: Viraf Namak; ou ۱۸۸۷ Livre d'Arda Viraf par M. A. Barthelemy, Paris Arta

این کتاب در واقع ترجمه فرانسوی ارداویرافنامه، و به ترتیب شامل مقدمه، ترجمه و تفسیر است. بارتلمی در مقدمه، موضوع کتاب و سوابق تاریخی آن را به طور خلاصه بیان داشته است. پس از مقدمه، ترجمه متن ارداویرافنامه و سپس شرحی برای فهم بهتر قسمتهای مختلف کتاب آورده است.

دستور کیخسرو و دستور جاماسب جی جاماسب آسا نیز، در سال ۱۹۰۲ ویرایش دیگری از ارداویرافنامه را به چاپ رساندند:

Arda Viraf Nameh (the original Pahlavi text with an Introduction, Notes, Gujarati translation, and persian version of ZartoshtBehram in verse) by Jamasp Asa, k., Bombay, ۱۹۰۲

ناشرین این نسخه از ارداویرافنامه هوگ و وست و ترجمه انگلیسی پوپ و ترجمه فرانسه بارتلمی و ترجمه گجراتی و همچنین نسخه فارسی بهرام پژدو ^{۱۲} استفاده کرده‌اند.

در اینجا شایسته است تا در ادامه، اشاره‌ای نیز به پژوهش‌های متأخر درباره ارداویرافنامه که هم دسترسی به آن‌ها آسان تر است و هم با مد نظر قرار دادن تحقیقات و نتایج علمی جدیدتر تهیه شده‌اند داشته باشیم: ابتدا باید از پژوهشی که دکتر رحیم عقیفی با عنوان ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی انجام داده، نام برد. این اثر نخستین بار در مشهد و به سال ۱۳۴۲ به چاپ رسیده و چاپ دوم آن نیز توسط «انتشارات توس»، در سال ۱۳۷۲ عرضه شده است. ^{۱۳}

این کتاب به چهار بخش عمده تقسیم می‌شود که به ترتیب عبارتند از: پیشگفتار، ترجمه فارسی، متن پهلوی و واژه نامه.

پیشگفتار خود به چند بخش جداگانه تقسیم می‌شود. ابتدا مطالبی در باب نام ارداویراف و اشتقاق آن آمده است ^{۱۴} و مطالب بعدی به ترتیب به شخصیت ارداویراف زمان زندگی او، زمان تألیف ارداویرافنامه، ارزش و اهمیت ارداویرافنامه، منابع کتاب و ترجمه ارداویرافنامه به زبان‌های مختلف می‌پردازد.

بخش بعدی به ترجمه متن پهلوی ارداویرافنامه به فارسی اختصاص دارد. در ترجمه متن پهلوی به فارسی نکاتی رعایت شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱ اگر واژه‌های برابر فارسی نداشته باشد، همان واژه در متن گذاشته شده و در زیر نویس، توضیح آن آمده است.

۲ بسیاری از اصطلاحات آئین زردشتی که در متن آمده به صورت زیرنویس شرح شده‌اند.

۳ برخی از واژه‌ها که خاص اهریمن و موجودات وابسته به اوست با عنوان «اهریمنی» مشخص شده‌اند ^{۱۵}

۴ برخی از واژه‌ها برای درک بهتر خواننده، توسط مترجم افزوده شده است. این واژه‌ها در داخل علامت [] قرار گرفته‌اند.

در بخش بعدی، متن پهلوی ارداویرافنامه آمده است.

متن پهلوی که در این کتاب آمده از روی نسخه دستور کیخسرو و دستور جاماسب آسا نقل شده است. دکتر عقیفی، متن ارداویرافنامه هوگ و وست و ترجمه بارتلمی و یک نسخه گجراتی را مد نظر قرار داده و با دو نسخه عکسی متعلق به دانشگاه کپنهاک (K ۲۰, K ۲۶) مقابله نموده است و موارد ضروری را در زیرنویس صفحات توضیح داده است.

بخش بعدی واژه نامه است که حدود ۱۴۰۰ واژه را در بر می‌گیرد. در این واژه نامه، نخست هر واژه با نویسه خطی^{۳۳} ثبت شده است و سپس حرف به حرف با الفبای فارسی قرائت شده و در برابر آن معنای واژه آمده است. از آنجا که خط فارسی قدرت نمایاندن تمامی مصوت‌ها را ندارد و مسلماً قادر به تلفظ دقیق واژه‌ها نیست، بعد از واژه نامه و در بخش پایانی کتاب برای نمایاندن تلفظ دقیق واژه‌ها از الفبای فونتیک بین‌المللی^{۳۴} استفاده شده است و تمامی واژه‌های مذکور در واژه نامه بنابر همان فهرست، آوانویسی شده‌اند. لازم به ذکر است که این بخش، ضمیمه‌ای است که به چاپ دوم کتاب افزوده شده است. فهرست منابع مورد استفاده، کتاب را به پایان می‌رساند.

کار جدیدتری که در مورد متن ارداویرافنامه صورت گرفته اثری است که فیلیپ ژینیو (Philippe Gignoux) در سال ۱۹۸۴ با این مشخصات در پاریس منتشر کرد:

Le Livre d'Arda Viraz, Institut francais
d'iranologie de Teheran, Paris ۱۹۸۴.

دکتر ژاله آموزگار نیز این کتاب را به همراه ترجمه و تحقیق به سال ۱۳۷۲ در تهران منتشر نموده‌اند.^{۳۵} فهرست مطالب این کتاب به ترتیب چنین است:

سخنی از مترجم، پیشگفتار، مقدمه، نشانه‌های کوتاه نویسی، کتابخانه، دستنویس‌های ارداویرافنامه، ترجمه فارسی، حرف نویسی^{۳۶} و آوانویسی، فهرست واژه‌ها و عبارت‌هایی که زیر نفوذ فارسی به کار رفته‌اند، فهرست نامهای خاص، واژه نامه.

کتاب با یادداشتی از دکتر آموزگار شروع می‌شود که طی آن نحوه کار و ویژگی‌های ترجمه را توضیح می‌دهند. در این ترجمه تنها به متن فرانسه اکتفا نشده و از متن پهلوی ارداویرافنامه و همچنین از پژوهش و ترجمه انگلیسی فریدون وهمن با این مشخصات:

Arda Wiraz namag, Curzon press, Copenhagen, ۱۹۸۶.

که تاریخ انتشار آن بعد از چاپ این اثر بوده نیز جهت مقابله استفاده شده است. هر چند مترجم بر آن بوده تا در نظرات خاص مؤلف دخالتی نکند ولی در مواردی که نکات تازه‌ای به نظرش رسیده در زیرنویس‌ها به آن اشاره کرده است. از مهم‌ترین نکاتی که در ترجمه فارسی رعایت شده می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱ تعدادی از واژه‌ها که کاربرد بیشتری داشته‌اند به همان شکل پهلوی ثبت شده‌اند مانند واژه اهلو (= مقدس).

۲ زیرنویس‌هایی که به تشخیص مترجم افزوده شده‌اند با نشانه (م) مشخص شده‌اند.

۳ تغییراتی در معنی برخی از کلمات صورت گرفته است.

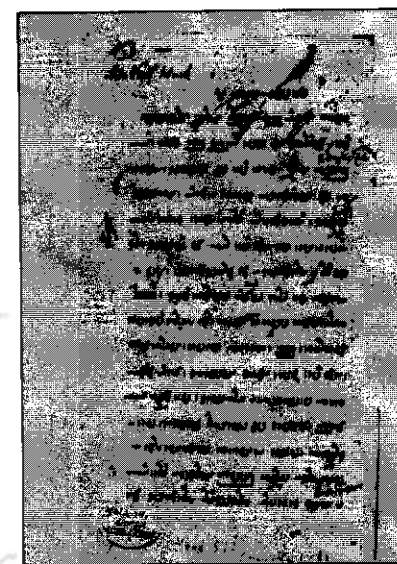
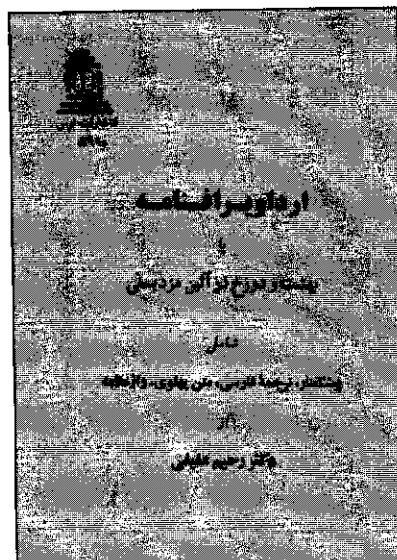
بعد از سخن مترجم، پیشگفتار کوتاهی از فیلیپ ژینیو در تأیید و تشکر از ترجمه دکتر آموزگار آمده است. بخش بعدی، مقدمه کتاب است که در پنج بخش جداگانه تنظیم گشته و به ترتیب عبارتند از:

۱ عنوان کتاب، ۲ اشارت‌های تاریخی در ارداویرافنامه، ۳ مشکلات نگارش ادبی، ۴ منابع مبتنی بر کتیبه‌شناسی، ۵ نتیجه‌گیری کنونی.

بخش نخست به قرائت‌های مختلف از نام ارداویراف اشاره می‌کند. بخش دوم به اشارات تاریخی در ارداویرافنامه و زمان نگارش آن می‌پردازد. بخش سوم مقدمه به انشاء متن و جملات نامربوط و غلط‌های نحوی اشاره می‌کند. بخش چهارم به مقایسه این اثر با سنگ نوشته‌های «کردیر» می‌پردازد. این سنگ نوشته‌ها، از جهت در برداشتن تاریخ عقاید مربوط به جهان دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.^{۳۷} در این بخش خصوصاً به ویژگی ظاهراً یکسان «بین‌مایه سفر به جهان دیگر» توجه شده است و مؤلف سعی کرده روایت‌های «کردیر» و ویراف و همچنین افسانه ویشناسپ را که فقط پس از انجام نوعی سفر آن جهانی، آئین جدید را می‌پذیرد به سنتی یگانه وصل کند. آخرین بخش مقدمه نیز، به تحقیقات پیشین اشاره می‌کند و شیوه کار مؤلف را بیان می‌دارد. سپس علامت‌های اختصاری (= نشانه‌های کوتاه نویسی) آمده است و بعد از آن کتابنامه، فهرستی از منابع را معرفی می‌کند. مطلب بعدی فهرست دستنویس‌های ارداویرافنامه است. ترجمه فارسی صفحات بعدی کتاب را در بر گرفته است. و بعد از آن حرف نویسی و آوانویسی متن تنظیم شده است. در صفحه سمت چپ^{۳۸}، حرف نویسی و در صفحه سمت راست^{۳۹} آوانویسی همان صفحه پیشین آمده است. این ترتیب در تمام صفحات مربوط به حرف نویسی و آوانویسی کتاب رعایت شده است. بخش بعدی، فهرست واژه‌ها و عبارت‌هایی را که زیر نفوذ فارسی به کار رفته‌اند به دست می‌دهد^{۴۰} پس از آن، فهرست اسامی خاص به کار رفته در متن آمده است.

واژه نامه، آخرین بخش کتاب است. در واژه‌نامه، ابتدا حرف نویسی هر واژه و بعد از آن آوانویسی و معادل فارسی واژه آمده و تعداد دفعاتی که واژه مورد نظر در متن به کار رفته نیز، ذکر شده است.

مرحوم غلام رضا رشید یاسمی نیز، تحقیقی در زمینه ارداویرافنامه انجام داده است که نخست در مجله مهر و به سال ۱۳۱۴ و سپس در مجموعه‌ای جداگانه تحت عنوان مقاله‌ها و رساله‌های ایشان به چاپ رسیده



است. این اثر، تنها شامل ترجمه فارسی ارداویرافنامه است که البته شرح تعدادی از واژه‌های مشکل و نکات مبهم متن را نیز در بر می‌گیرد.

همچنین فریدون وهمن واژه‌نامه‌ای جگانه برای ارداویرافنامه تهیه کرده است که در سال ۱۳۵۵ در مجموعه واژه نامه‌های پهلوی بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است.^{۳۶} این واژه نامه دارای ویژگی‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱ هر واژه نخست حرف به حرف نقل می‌شود و سپس آوانویسی آن در برابرش می‌آید و بعد معنای واژه ثبت می‌شود.

۲ برای هر واژه شماره فصل و بندی که آن واژه در آن آمده ثبت شده است.

۳ صورت‌های مختلف صرفی افعال در زیر آنها ذکر شده است.

۴ برای واژه‌های آرامی (= هزوارش‌ها) نخست حرف نویسی آنها در آرامی و سپس برابر ایرانی آنها به صورت ملفوظ ذکر شده است.

ادیب السلطنه سمعی و دکتر محمد معین نیز هر یک به طور جداگانه مطلبی در شرح ارداویراف نگاشته‌اند که به سال ۱۳۲۵ در یادنامه سادروان پورداد به چاپ رسیده است.^{۳۷} همچنین دکتر محسن ابوالقاسمی در جلد اول کتاب راهنمای زبان‌های باستانی ایران، فصل اول تا پنجم، ارداویرافنامه را به همراه حرف نویسی، آوانویسی و ترجمه فارسی آورده است.^{۳۸} ترجمه گجراتی ارداویرافنامه چنانکه پیش از این ذکر شد در کتاب ارداویرافنامه جاماسب اسا آمده است. ترجمه سنسکریت ارداویرافنامه در اثر زیر:

D.: Arda Gvira: Collected

۱۹۲۰. Sanskrit Writings of the Parsis, part V, Bombay,

و پازند آن نیز در مجموعه متون پازند با این مشخصات

Antia, E. K.: Pazand Texts: Bombay, ۱۹۰۹.

آمده است. لازم به ذکر است که فهرست جامعی از کتاب‌ها و مقالات مربوط به ارداویرافنامه در کتابنامه اثر ژینیو که پیش از این بدان اشاره شده آمده است. نگارنده بخشی از آن کتابشناسی را که مهم‌تر به نظر رسیده و گفتار کنونی را نیز تکمیل کرده و در ذیل آورده است:

O Abrahamian, R., Ardavirap Namak,

YustFrian, Erevan ۱۹۵۸.

O Belardi, W., The Pahlavi Book of the

righteous Viraz, I, chapters I II, Roma ۱۹۷۹.

O Blochet, E., "Quelques notes a propos de

L'Arda Viraf Nama", dans Oriental studies in honour of C. E. Pavry, PP. ۴۹-۵۵, London ۱۹۳۳.

O Casarteli, L. C., "The Persian Dante", dans

۲۷۳. Bombay ۱۹۱۸. Dastur Hoshang Memorial Volume, pp. ۲۵۸

O Gignoux. ph., "Notes sur la redaction de

Deutscher Orientalistentag), L'Arday Viraz Namag", dans ZDMG,

pp. ۹۹۸ ۱۰۰۴, Wiebaden ۱۹۶۹. supplementa I (XVII).

O Gobrecht, G., "Das Arta Vjraz Namak",

dans ZDMG, t. ۱۱۷, pp. ۳۸۲ ۴۰۹, ۱۹۶۷.

O Maddox, G., The Arday Viraf Nameh or the

revelations of Arday Viraf, Madras, ۱۹۰۴.

O Modi, J. J., Dante and Viraf and Gardis

and kays Bombay, ۱۸۹۲.

O Mole, M., "Les implications historiques du

۱۴۸, pp. ۳۶ - ۴۴, ۱۹۵۱. prologue du livre d'Arta Viraz", dans RHR, t.

O Muller, Fr., "Zu Artai - Viraf - Namak -

Etymologien", dans Der Ausdruck "Awesta" - Awestische, pahlavi,

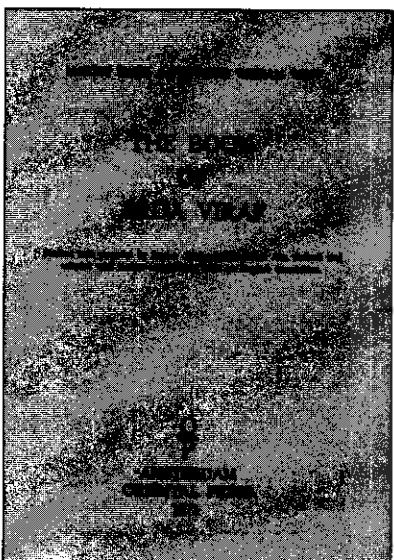
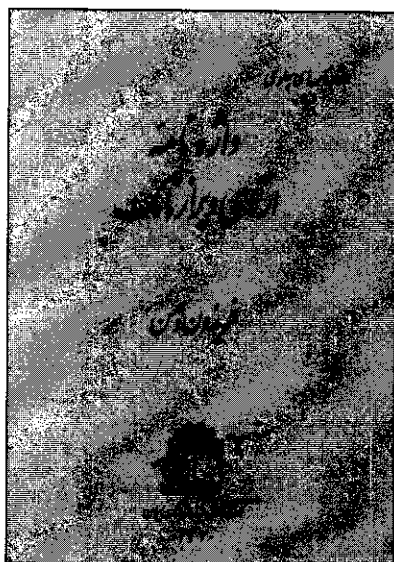
WZKM, t. ۱۰, pp. ۱۷۴ ۱۸۴, ۱۸۹۶ neupersische und armenische

O Nicholson, R. A., "A persian forerunner of

Dante", dans JBBRAS, t. ۱۹, pp. ۱ ۵, ۱۹۲۳.

O Rustamji, Sorabji, Ardayvirafnamu (Gujrati

۱۸۴۴: ۲d ed, ۱۸۶۸. rendering of the persian translation of original



Pahlavi text), Bombay,

در انتها لازم است به ارداویرافنامه منظوم زردشت بهرام پژود، شاعر زردشتی قرن هفتم هجری نیز اشاره شود، که کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است. این منظومه که از ۱۱۶۲ بیت تشکیل شده، چنین آغاز می‌شود:

بنام آن خداوند جهاندار

کنم آغاز از دین نغز گفتار

حدیثی گویم اندر راه این دین

زمن بشنو تو این گفتار بهدین

شهنشاه اردشیر از فر دادار

گرفت آن پادشاهی را سزاوار

همه نیکی ز عدل پادشادان

همیشه شاه عادل باد شاهان

ز عدل او بایران و خراسان

شده بر مردمان عیش و خور آسان

...و

فهرست سر فصل‌های این منظومه نیز به قرار

زیر است:

کتاب اردای ویرافه رفتن اردای ویراف بر چینودپلی، شرح دادن ارداویراف کارهای اول صفت بهشتیان، مناجات کیفیتهای دوزخ و دوزخیان، آمدن اردای ویراف از بهشت به گیتی و شرح او، گفتار اندر آوردن سروش و اردیبهشت اردا را به این جهان گفتار انجامیدن قصه اردای ویراف و سخن چند اندر ختم کتاب گوید.

این منظومه، مسلماً از نظر ادبی چندان ارزشمند نیست و تنها اشارات تاریخی و اندیشه‌های کهن مستتر در آن است که می‌تواند راهگشای محققین باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ این قرعه کشی با «نیزه انداختن» انجام شده است که نوعی آزمایش دینی است تا انتخاب درست را تأیید کند. از این رو بایستی، سه بار نیزه پرتاب می‌شد تا اینکه ثابت شود که ویراف در آن جامعه دینی، به دلیل اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بهترین شخص بوده است. چنانکه در بند ۲۱ و ۲۲ فرگرد نخست آمده: ۲۱ - و پس از آن مزدستان نیزه آزمایش دینی را آوردند. ۲۲ - نخستین بار برای اندیشه نیک، دومین بار برای گفتار نیک و سومین بار برای کردار نیک، هر سه نیزه به سوی ویراف آمد.

(ر. ک. ژینو، فیلیپ: ارداویرافنامه، ترجمه و تحقیق؛ ژاله آموزگار، انتشارات معین، انجمن ایران‌شناسی فرانسه تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۳).

۲ منگ گشتاسبی، مایع مخدری بوده است. گشتاسبی منسوب به گشتاسب و اشاره بر این دارد که او نیز از این مایع نوشیده است (هنگامی که از زردشت خواست تا جایگاهش را در جهان دیگر ببیند، از این مایع نوشید).

۳ منظور سروش و آذر است. فرگرد ۴، بند ۱: و او فرمود ایدون بنویسند که در آن نخستین شبه سروش اهلو و آذر ایزد به پیشواز من آمدند به

من نماز بردند و گفتند: «خوش آمدی تو ای ارداویراز که ترا هنوز زمان آمدن نیوه» ر. ک. همان، صص ۴۸ و ۴۷ به صورت Yosht i Fryan نیز آمده است.

۵ جهت آگاهی از شیوه آوانویسی (Transcription) ر. ک: ابوالقاسمی، محسن: تاریخ زبان فارسی، انتشارات

سمتہ تهران، ۱۳۷۲، صص ۱۹۰، ۱۸۹

۷ - Phonetic Characteristics

۸ - Consonants

۹ - Vowels

۱۰- هزارش (ideogram) به واژه‌ای اطلاق می‌شود که به آرامی نوشته و به یکی از زبان‌های ایرانی تلفظ می‌شود.

۱۱ جهت آگاهی از چگونگی وارد شدن هزارش‌ها به زبانهای ایرانی ر. ک:

مشکور، محمد جواد: فرهنگ هزارش‌های پهلوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۶، صص ط ک (مقدمه)

۱۲ ر. ک:

میرفخرائی، مهشید: بررسی هادخت نسک، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱، صص هشت (پیشگفتار)

۱۳ زردشت بهرام پژدو از شاعران زردشتی قرن هفتم هجری است که به زبان فارسی شعر گفته و منظومه‌هایی چون زرادشت نامه وارد اویرافنامه بدو منسوب است. از ارداویرافنامه اثر منظوم دیگری نیز منسوب به دستور مرزبان کرمانی به جای مانده که در جلد دوم روایات داراب هرمزد یار به سال ۱۹۲۲ در بمبئی چاپ شده است. از ابیات این ارداویرافنامه منظوم است:

کتابی خواندم از زند دفتر

دو تن دستور با من بود همبر

ز ویراف و هم از احوال مینو

ز ازوارش بخواندم قصه او

۱۴ عقیقی، رحیم: ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آئین مزدیسنی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۳۲

۱۵ به دلیل ابهام خط پهلوی قرآنت‌های مختلفی از این کلمه آمده است. «ویراف»، «ویراز» و «ویراب».

۱۶ زبان‌های ایرانی که برای نوشتن متن‌های زردشتی و مانوی به کار رفته‌اند، به دلیل ثنویت دینی دارای دو نوع واژه‌اند. واژه‌های خاص جهان نیکی و واژه‌های خاص جهان بدی که به واژه‌های اهورایی و اهریمنی موسومند. مثلاً در فارسی میانه زردشتی «گفتن» واژه‌ای اهورایی است که برابر اهریمنی آن «درائین» است. جهت آگاهی ر. ک:

ابوالقاسمی، محسن: زبان فارسی و سرگذشت آن، انتشارات هیرمند، تهران، ۱۳۳۴، صص ۳۵

۱۷ - Manuscript Written

۱۸ - International Phonetic Alphabet

۱۹ ژینیو، فیلیپ: ارداویرافنامه، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، انتشارات معین انجمن ایرانشناسی فرانسه

تهران، ۱۳۷۲

۲۰ جهت آگاهی از شیوه حرف نویسی (Transliteration) تاریخ زبان فارسی، صص ۱۹۰-۱۸۹

۲۱ ر. ک:

Le Ph. Gignoux. 'Etude des Variantes textuelles

des inscriptions de Kirdir, Genese et datation', Museon ۸۶, ۱۹۷۳, pp. ۱۹۳ - ۲۱۶.

۲۲- Verso page

۲۳- recto page

۲۴ منظور واژه‌ها و عبارتهایی است که در طی باز نویسی متن در دوره‌های متأخرتر، تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته‌اند. مثلاً به جای «من کرد»، «من کردم» آورده است.

۲۵ ر. ک:

رشید یاسمی، غلامرضا: مقاله‌ها و رساله‌ها، گردآوری ایرج افشار، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی (موقوفات

دکتر محمود افشار یزدی)، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۶۴-۱۳۷

۲۶ وهمن، فریدون: واژه نامه ارتای ویرازنامه، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، شماره ۲۴۷، تهران، ۱۳۵۵

۲۷ ر. ک:

سمیعی، ه: دیباجه ویراف نامه، یادنامه استاد پورداود، تهران، ۱۳۲۵، صص ۱۲۹-۱۳۳

معین، م: ارداویراف نامه، یادنامه استاد پورداود، تهران، ۱۳۲۵، صص ۲۱۲-۱۵۰

۲۸ ر. ک: ابوالقاسمی، محسن: راهنمای زبان‌های باستانی ایران (جلد ۱)، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۵، صص